

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

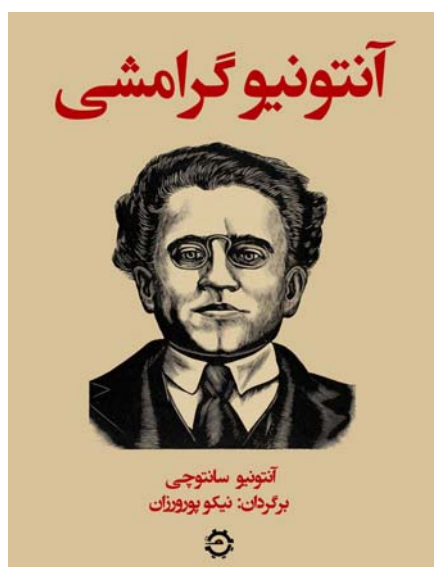
Political

سیاسی

برگردان از: نیکوپوروزان  
۰۳ اپریل ۲۰۱۸

## آنتونیو گرامشی

۱



### یادداشت مترجم

کتاب حاضر به زبان اصلی (ایتالیایی) با عنوان "آنتونیو گرامشی"، ۱۸۷۹-۱۹۳۷ در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات سلاریو در شهر پالرمو در ایتالیا منتشر گردید و سپس در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات ماننلی ریویو به زبان انگلیسی در نیویورک انتشار یافت.

من در ترجمه فارسی این کتاب از متن انگلیسی آن استفاده نموده ام. تمامی مطالب کتاب به جز یکی از ضمیمه ها به همان شکل و ترتیبی که در نشر انگلیسی کتاب آمده ترجمه شده است.

ضمیمه ای که از ترجمه افتاده است، ضمیمه شماره دو با عنوان "زندگینامه شخصیت های عمده سیاسی" بود که ترجمه اش را چندان ضروری تشخیص ندادم. به جای آن، فهرست کلمات اختصاری را به عنوان ضمیمه شماره دو قرار داده ام که در ویرایش انگلیسی کتاب پیش از متن اصلی آمده است.

در ضمن، تمامی منابع نقلی قول را که ناشر در خود متن و در پایان بندهای مربوطه جا داده بود، من در زیرنویس مطالب قرار داده ام. به علاوه، اسامی مکانها و افراد را نیز به خاطر روشنی بیشتر، در زیرنویس نیز به شکل اصلی شان آورده ام. تمامی زیرنویسهائی را هم که خود افزوده ام (با م) مشخص شده است.

در مورد جامعیت ترجمه، تردیدی ندارم که بسیار مفید می بود اگر که می شد آن را با متن اصلی برابری داد. اما، متأسفانه به علت عدم آشنائی با زبان ایتالیائی، امکان برابری دادن ترجمه با متن اصلی برایم وجود نداشته است. اما، در برخی موارد که نیاز دیدم، و تا جائی که امکان داشته، سعی نمودم که متن را با ترجمه انگلیسی دیگری که در دسترس بود مقایسه کنم.

امیدوارم که ترجمه این کتاب بتواند در چارچوب ادبیات چپ و انقلابی کمکی باشد به شناختی جامعتر از زندگی و اندیشه گرامشی که یکی از فرهیخته ترین رهبران نهضت بین المللی کارگری در سالهای آغازین سده بیستم بود.

نیکو پوروززان

زمستان ۱۳۹۶

## سرسخن

### اریک هابسبام ۱

در میان برجسته ترین روشنفکران سده بیستم شاید کمتر کسی را بتوان یافت که به اندازه گرامشی حجم سنگینی از کار خویش را در پس مرگش به این اندازه غیرقابل فهم رها کرده باشد. اما، با این وجود، این مسأله به هیچ روی نتوانسته است مانع تبدیل وی به شناخته شده ترین و بانفوذترین اندیشمند قرن شود.

این امر در وهله نخست مدیون دو دانشور برجسته است که بخش بزرگی از حیات خویش را صرف سازمان دادن و تحلیلگری روشمند کار وی نموده اند: ولنتینو جرراتانا ۲ و آنتونیو سانتوچی ۳. این هر دو، اما، دیگر در میان ما نیستند؛ هنوز از مرگ جرراتانا چیزی نگذشته بود که سانتوچی، همکارش و یا در حقیقت جانشین وی به مثابه برجسته ترین کارشناس مطالعات گرامشیائی، نابهنگام در گذشت. مرگ سانتوچی در پنجاه-و-چهارمین سال حیاتش چندان سوگناک بود و بسا که حزن انگیز. از این مرد با توانائیهای شگرفش هنوز انتظارات بسیاری می رفت؛ مردی که پژوهندگی در زمینه های مختلف تاریخ ثنوری سیاسی را با خردی خلل ناپذیر و منشی شوخ و گمکی سودا زدگی در هم آمیخته بود! وراء دانشوری در زمینه زبانشناسی تطبیقی متون گرامشیائی، سانتوچی هم چنین در تحلیل نقادانه از گرامشی و از میان عدسی دفترهای زندان ۴، از دوره تاریخی که گرامشی در آن می زیست، زیانزد بود. بنابراین، سانتوچی را باید هم به خاطر دانش پژوهندگی اش در زمینه زبانشناسی تطبیقی و هم به خاطر کارهای خود وی که در مقاله های بسیاری ارایه شده و هم به خاطر نظرش در مورد تداوم اهمیت گرامشی در جهانی "بدون کمونیسم" ۵ ستود.

سهام عظیم آنتونیو سانتوچی در مطالعه و نشر آثار و افکار گرامشی آن چنان شکله ای مختلفی داشته است که نه تنها نمی توان آن را به شکل مؤجری بیان نمود، بلکه شرحش در این کوتاه سخن نیز نمی گنجد. ملموسترین و در دسترسترین نمود فعالیت‌های گرامش‌پژوهی سانتوچی همانا حجم بزرگی از انتشارات است که وی تولید نموده است. در فهرست طولانی کتابشناسی گرامش‌پژوهی ۲ که جان گمت ۳ در طی سالیان دراز جمع-آوری نموده، اسم سانتوچی در بیش از ۲۵۰ عنوان آمده است. فهرست کتابشناسی به خودی خود تنها شمایی کم‌رنجی از زحمات کار نویسندگان را ارائه می دهد. این گونه فهرست صرفاً زمان، مکان و ناشر مقاله ها و کتابهای نویسنده را به دست می دهد. از این داده های دسته-جسته البته می توان برخی اطلاعات جالب را نیز خوشه-چینی نمود. نوشته های سانتوچی از خمیر-مایه های فوقالعاده گوناگونی برخوردار بود. وی برای خواننده های متفاوتی می نوشت و ناشران بسیاری از سراسر جهان، از اسپانیا، فرانسه، اتریش، مجارستان، فنلاند، برزیل، چیلی و جاپان، خواهان چاپ و نشر آثار وی بودند. این فهرست، اما، قادر به ارزیابی کیفی از کارهای سانتوچی نبوده و نیست. تنها آنهایی که از این فهرست قدمی فراتر نهاده و اقدام به مطالعه این متنها کنند، می توانند زبانشناسی تاریخی، زبانشناسی (تأویل)، و مهارتهای نقدگرانه اش، جدیت و عمق پژوهشش در تمامی زاویه های زندگی و کار گرامشی، و توانایی اش در اقناع خواننده را درک نمایند.

افزون بر این، کتابشناسی سانتوچی در مورد تأثیری که وی بر کار افراد بسیاری گذارده (و کماکان خواهد گذارد) چیزی به دست نمی دهد. این فهرست به نام و نشان دانش پژوهان و دانشجویان بی شماری که وی به طور رسمی و یا غیر رسمی در طی دو دهه کمک و رایزنی نمود نیز نمی تواند اشارتی کرده باشد. در این کتابشناسی از کنفرانسهایی که وی به راه انداخت، سمینارها و سمپوزیومهایی که وی در آن ها سخنرانی نمود و انتشارات دیگر دانش پژوهان - از جمله اثر اوجینو گارین ۴ با عنوان در باره گرامشی ۵ - که به مدد وی میسر گردید نیز اشاره ای در کار نیست. این فهرست ابزاری را به دست نمی دهد که بتوان با آن اهمیت تأثیر کارهای وی بر جریانهای مختلف گرامش‌پژوهی را در درون و بیرون ایتالیا سنجید. اگرچه در همه موارد از نفوذ و تأثیر سانتوچی رد پائی به جا نمانده، اما نفوذ وی به خاموشی در بیشتر آثاری که از اواخر دهه هشتاد به این سو در مورد گرامشی نوشته شده جریان داشته است. ۶. سانتوچی با وسواسی تمام آثاری مانند نظم نوین (به همراه ولنتینو جرراتانا)، نامه ها: ۱۹۰۸-۱۹۳۱-۱۹۲۶ ، و نامه-های زندان را ویراستاری نموده و با انتشار آنها برخی از مهمترین نوشته های گرامشی را در اختیار دانش-پژوهان و دانشجویان قرار داد - متونی تعیین کننده که تا آینده دور دستی باقی خواهند ماند. ویراستاری دیگر آثار رایج تر گرامشی به توسط وی به همان اندازه در ترویج مکتب گرامشی در پهنه وسیعتر فرهنگی نقش مهمی داشته است. چاپ جیبی نامه های زندان (که در ۲۴ جنوری ۱۹۸۸ به شکل ضمیمه روزنامه یونیتا ۷)، (برگزیده ای از نوشته های ژورنالیستی اش زیر عنوان باران می بارد، لعنت بر حکومت (۱۹۹۶) برگزیده آثار (۱۹۹۷) تنها اشاره به سه مورد است که وی توسط آنها توانست آثار گرامشی را به بخش وسیعی از خوانندگان و دانشجویان معرفی نماید که در غیر این صورت ممکن بود که آثار وی به عنوان به اصطلاح آثار "کلاسیک" باقی مانده و در قفسه های کتابخانه ها در کنار کتابهای قطور دیگر برای همیشه خاک بخورد.

البته، مراد این نیست که گفته شود که از نظر وی گرامشی یک "کلاسیک" نبوده است. در حقیقت، اولین کتاب سانتوچی دقیقاً با بحثی پیرامون موقعیت کلاسیک گرامشی آغاز می‌شود؛ اما، دلنگرانی وی آن است که مبدا گرامشی نیز به سرنوشت بسیاری از کلاسیکها مبدل شود که عموماً مورد احترام اند، به طور مکرر در این جا و آن جا از آنها نام برده می‌شود، اما، آثارشان به ندرت خوانده می‌شود، مگر آن که به واسطه موقعیت دانشگاهی و فرهنگی معینی باشد. به این دلیل است که سانتوچی تمام تلاشش را به کار می‌گیرد تا خواننده را به طور مستقیم در ارتباط با متون گرامشی قرار دهد. وی این کار را نه تنها با ویرایش آثار وی، بلکه هم چنین از طریق کتابها و مقاله های تحلیلی اش انجام می‌دهد. زیرکار این همه، باور بر این نکته بود که گفت-و-گو با گرامشی می‌تواند از طریق متونش ادامه یابد. پس، از نظر وی گرامشی نه تنها در زمره کلاسیکها قرار داشته، بلکه همچنین به زمان حال نیز تعلق دارد. به عبارت دیگر، آن چه که گرامشی را از برخی از کلاسیک های دیگر متمایز می‌سازد این است که نوشته های وی خواننده را، حتا در زمان حال، به شرکت فعال در رویارویی با ایده ها و خطوط فکری وی فرا می‌خواند که در مورد نامه های زندان همواره در روندی سیال از بسط، بازسازی، و بازنگری باقی میماند. از این منظر است که خواندن آثار گرامشی کاملاً متفاوت از خواندن آثار کلاسیکی است که از موضعی اساساً خنثی خوانده می‌شود.

گرامشی در یادداشت هایش پیرامون نقد ادبی به فرق فاحش میان نقد جانبدار فرانچسکو د سانتس ۸ از موضع "با حرارت یک شخص متخصص متعهد با باورهای اخلاقی و سیاسی خدشه ناپذیر" نشأت گرفته و به موضع "ما فوق آرام" و "مدار-جوئی از روی نیت خیر" بنهدیتو کروچه ۹ (که موضعی واقعاً حساب شده بود) اشاره می‌کند. وی بر سر این نکته که خود کدام یک را ترجیح می‌دهد هیچ گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد: "نقد ادبای که مناسب حال ماتریالیسم تاریخی باشد را د سانتیس ارائه می‌دهد، نه کروچه". این گونه مشاهدات نه تنها نمایانگر رویکرد گرامشی به شاهکارهای ادبی (مانند رمان نامزد نوشته مانزونی) ۱۰ است، بلکه همچنین رویکرد وی را به برخی متون کلاسیک فلسفی و تئوری سیاسی نشان می‌دهد. تنها یک نظر بر انبوهی از یادداشت های وی در باره ماکیاولی ۱۱ کافی است که تا دریافت که گرامشی به چه اندازه خود را درگیر تفسیر کارهای این فلورانس ساخته بود. این یادداشتها نشان می‌دهند که مطالعاتش چگونه وی را، بدون نادیده انگاشتن اهمیت ویژه گی های تاریخی متون اصلی، به آزمون رابطه قدرت در دوران معاصر رهنمون ساخته، (امری که به نوبه خود وی را قادر می‌سازد که به تعمیق و توسعه فراتر ایدهاش از پیشوائی ۱۲ دست یازد)، و به نیاز برای دستیابی به یک ستراتیژی سیاسی که بسنده زمانش باشد هدایت نموده است. قرائت گرامشی از شاهزاده ماکیاولی سرمشقی است از یک کار تفسیری، که وی در عین حالی که محتاطانه از ابزارسازی متن خودداری می‌نماید، آن را به گویشی مدرن "ترجمه" می‌کند. گرامشی در برخوردش به شاهزاده نشان می‌دهد که چگونه یک متن میتواند کلاسیک بوده و در عین حال به زمان حاضر تعلق داشته باشد.

اما، بی‌فایده خواهد بود اگر که بخواهیم در نوشته های گرامشی به دنبال یافتن فرمول تفسیری حاضر- آماده ای باشیم که متون کلاسیک را مثلاً به زمان تاریخی معینی ربط بدهد. در حقیقت، برخی اوقات نه تنها این روش مطالعه ممکن نبوده، بلکه مطلوب هم نیست. این، اما، به معنای آن نیست که متون کلاسیک (خلاف ادعای برخی از نظریه پردازان فرهنگی افراطی) محکوم به فنا بوده صرفاً به این دلیل که بیانگر و تجسم جهانیابی ای است که با پنداشت خواننده امروزی از جهان مبنای مشترکی ندارد. متنی کلاسیک را که ربطی به جهان امروز نداشته و یا نمی‌تواند داشته باشد، دستکم می‌توان (و باید) به خاطر کیفیات ذاتی اش ستود. گرامشی در نامه ای به همسرش جولیا ۱۳ در یکم جون ۱۹۳۱ در این باره به نکات جالبی اشاره می‌کند:

چه کسی دانته را عاشقانه می خواند؟ استادان پیر-و-پاتال که شاعر یا نویسنده ای را بت ساخته و با اجرای شعایر عجیب-و-غریب واژه شناسی تاریخی به ستایش از وی می پردازند. از دیده من، فرد مدرن و فرهیخته باید آثار کلاسیک را عموماً با نوعی "بی طرفی" بخواند، یعنی این که صرفاً برای ارزش زیباشناسیک شان، در حالی که "عشق" حاکی از همسوئی با محتوای ایدئولوژیک شعر است؛ کسی به شاعر "خودی" عشق می ورزد، و دیگری هنرمند را "به طور کلی" می ستاید. ستایش زیباشناسیک می تواند با نوعی تحقیر "مؤدبانه" همراه باشد، مانند نحوه برخورد مارکس به گوته.

ادامه دارد

1 Eric J. Hobsbawm

2 Valentino Gerratana

3 Antonio A. Santucci

4 Prison Notebooks

5 Antonio A. Santucci, *Senza Comunismo, Labriola, Gramsci, Marx*. (Roma: Editori Riuniti 2001).

---

## 1 Joseph A. Buttigieg

ویراستار و مترجم [انگلیسی] متن کامل و چند-جلدی دفترهای زندان آنتونیو گرامشی است. وی عضو بنیانگذار جامعه بین المللی گرامشی بوده و رئیس فعلی آن نیز می باشد. کتابهایش در باره گرامشی عبارتند از:

□ Borg, Carmel, Joseph A. Buttigieg, and Peter Mayo, eds. *Gramsci and Education*. Lanham, MA: Rowman & Littlefield, 2002.

□ Gramsci, Antonio. *Prison Notebooks*. Edited and translated by Joseph A. Buttigieg. Vols. 1 - 3. New York: Columbia University Press, 2011. (م)

## 2 Bibliografia Gramsciana

3 John Cammett

**جان گمت** کارگر ماشین-سازی و از سازماندهان اتحادیه نی بود. پس از جنگ جهانی دوم وی وارد دانشگاه شده و در سال ۱۹۴۹ پایان نامه تحصیلی اش را دریافت نمود و پس از آن بقیه عمرش را به تحقیق و پژوهش پرداخت. در سال ۱۹۵۹ دکترای فلسفه اش را از دانشگاه کلمبیا دریافت نمود. وی در طی سفری به رُم که به منظور تحقیق انجام شده بود به اهمیت گرامشی برای جنبش کمونیستی ایتالیا پی برد. رساله دکترای وی جایزه بهترین اثر چاپ نشده را در سال ۱۹۵۹ از **جامعه پژوهش های تاریخی ایتالیا** دریافت نمود. این رساله سرانجام در سال ۱۹۶۷ و با عنوان **آنتونیو گرامشی و منشا کمونیسم ایتالیایی** توسط انتشارات دانشگاه استنفورد چاپ شد. وی به خاطر کارش با عنوان کتابشناسی گرامشبیانی که شامل تمامی عنوانهایی است که گرامشی نوشته و یا در مورد وی نوشته شده معروفیت جهانی یافت. این کتاب- شناسی شامل ۱۷۰۰۰ عنوان به ۴۰ زبان مختلف است. وی در سی ام جولای ۲۰۰۸ در سن هشتاد و یک سالگی درگذشت. (م)

4 Eugenio Garin

5 *Con Gramsci*

۶- از این زمان است که وی به عنوان معتبرترین و موثقترین کارشناس زندگی و کار این ساردینی [اشاره به گرامشی] کبیر پا به عرصه نهاد.

#### 7 *L'Unità, Quotidiano degli operai e dei contadini*

اونیتا روزنامه چپ ایتالیا بود که توسط گرامشی در ۱۲ فیروری ۱۹۲۴ و به عنوان "روزنامه کارگران و دهقانان"، و ارگان رسمی حزب کمونیست ایتالیا شروع به کار نمود.

پس از آن که حزب کمونیست ایتالیا منحل گردید، این روزنامه به عنوان ارگان حزب هائی که جایگزین حزب کمونیست شده بودند (مانند حزب دموکراتیک چپ، دموکرات های چپ، و از اکتبر ۲۰۰۷ تا زمان بسته شدنش به عنوان ارگان حزب دموکراتیک) به کارش ادامه داد. این روزنامه در ۳۱ جولای ۲۰۱۴ تعطیل گردید (م)

#### 8 Francesco De Sanctis

۹ **بنهدیتو کروچه** (Benedetto Croce) فیلسوف ایدئالیست ایتالیائی (۱۸۶۶-۱۹۵۲) وی از هواداران سرسخت لیبرالیسم کلاسیک بوده و به لحاظ سیاسی فعال بود (م).

۱۰ رمان **The Betrothed** اثر آلساندرو مانزونی (**Alessandro Manzoni**) ، یکی از بزرگترین کارهای ادبی به زبان ایتالیائی است که اولین بار در سال ۱۸۲۷ منتشر گردید. این رمان به فارسی با عنوان **پیوند** توسط انتشارات ارغنون منتشر شده است (م).

#### 11 *Niccolò di Bernardo dei Machiavelli*

فیلسوف، تاریخنگار، سیاستمدار، و دیپلمات ایتالیائی دوره رنسانس که غالباً به عنوان پدر علوم سیاسی مدرن نام برده میشود (م).

#### 12 hegemony

#### 13 Julia Schucht